

تأملی مسأله‌گرا در نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد

علی یوسفی

چکیده

مشروعیت، از لوازم ثبات و اثربخشی نظام سیاسی است. در مقاله حاضر این معنا روشن گردیده که میل به حفظ و اصلاح قواعد اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از تغییر و جایگزینی آن و از طرفی میل به اصلاح قواعد موجود بیش از حفظ آن به شکل کنونی است. در بین ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی، یعنی تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت قواعد و تأیید نفع عمومی قواعد، بعد اخیر که دلالت بر تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی دارد، ضعیف‌تر از سایر ابعاد است و میانگین کلی مشروعیت سیاسی نیز بر روی یک مقیاس ۱۰ تا ۱۰۰ کمی بالاتر از حد متوسط قرار می‌گیرد. از مقایسه میانگین مشروعیت در سه شهر مورد بررسی به ویژه به حسب رده بندیهای سنی، تحصیلی و هویت حزبی (محافظه کار / اصلاح طلب)، این معنا به روشنی حاصل می‌شود که در بین سه نوع ارزیابی محافظه کارانه، اصلاح طلبانه و رادیکال از قواعد اساسی نظام جمهوری اسلامی، رویکرد اصلاح طلبانه، تنها گزینه‌ای است که نظام برای ترمیم و جبران مشروعیت از دست رفته، می‌تواند اختیار کند.

کلیدواژه‌ها: مشروعیت سیاسی، تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، حقانیت، نفع عمومی

بیان مسأله مشروعیت^۱

مشروعیت، پیش‌نیاز اخلاقی نظم و از لوازم اجتماعی ثبات و اثربخشی نظام سیاسی به حساب می‌آید و به همین جهت بحث از آن همواره با هشدار نسبت به قریب الوقوع بودن بحران در درون نظام سیاسی همراه بوده است. با این حال، اهمیت مسأله مشروعیت در شرایطی بهتر آشکار می‌شود که حکومت با کمبود محسوس مشروعیت روبه‌رو شده باشد. در چنین شرایطی فرامین حکومتی پشتوانه اخلاقی خود را از دست

می‌دهد و حکومت با نافرمانی اجتماعی روبه‌رو می‌شود و در نتیجه، توانایی نظام سیاسی برای تحمل سختیها و ناکامیها (ثبات سیاسی) و تأمین اهداف جمعی (اثر بخشی) به شدت کاهش پیدا می‌کند (Beetham, 1992).

وضعیت حکومت سلطنتی در ایران در سال ۱۳۵۷ تجربه روشنی از یک حکومت «غیر مشروع»^۱ را آشکار ساخت. این تجربه نشان داد که وقتی حکومت «ذخایر مشروعیت» خود را از دست می‌دهد، فرمایش اطاعت نمی‌شود و در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. مسأله مشروعیت بویژه در نظامهای مردم سالار از اهمیت بیشتری برخوردار است و یک پیش نیاز اجتماعی برای تحکیم مردم سالاری است. «ثبات سیاسی در نظامهای مردم سالار نمی‌تواند متکی به «زور»^۲ باشد و مشروعیت باید جایگزین زور شود» (Lipset, 1994, 7).

درک مسأله مشروعیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی علاوه بر دلایل پیش گفته به دلیل برجستگی نقش دین در شکل‌گیری و تداوم آن، اهمیت مضاعفی دارد. نظام سیاسی کنونی در ایران هم بر اصول مردم سالارانه (دموکراتیک) و هم بر اصول خداسالارانه (تئوکراتیک) استوار گردیده و نظام سیاسی در واقع یک «نظام مردم سالار دینی» (تئودمکراسی) است. در این نظام کیفیت عمل مردم نسبت به حکومت، آمیخته‌ای از اطاعت سیاسی و اطاعت دینی است و به دلیل همین آمیختگی، سرنوشت «سیاست و دین» به یکدیگر پیوند خورده و ناکامی در تجربه نوپای مردم سالاری دینی در ایران به ناتوانی اندیشه دینی در اداره جامعه و لاجرم به تفکیک حوزه دین از سیاست منتهی خواهد گردید؛ همچنان که کامیابی در این تجربه نوین، به تقویت اندیشه دینی و توانایی آن در اداره جامعه خواهد انجامید. مهم‌ترین نشانه کامیابی و موفقیت نظام جمهوری اسلامی که دوام آن را نیز تضمین می‌کند، «مشروعیت سیاسی»^۳ است.

این مهم مبنایی برای مطالعه تطبیقی مشروعیت سیاسی در سه شهر تهران، مشهد و یزد قرار گرفته است.^(۱) در مقاله حاضر که برگرفته از نتایج تحقیق مذکور است، سعی بر این است که ضمن ارائه توصیفی واقع‌نگار از نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد، با معناکاوی مجدد روی نتایج به دست آمده برخی از دلالت‌های مسأله‌ای (پرابلما تیک) مشروعیت سیاسی دولت را در وضعیت کنونی ایران بازنمایی کند.

^۱ Illegitimate

^۲ Force

^۳ Political Legitimacy

تعریف مفهومی مشروعیت سیاسی^(۲)

در اندیشه سیاسی جدید «یک حکومت یا دولت» وقتی مشروع^۱ تلقی می‌شود که «حق حکومت کردن» داشته باشد. لکن سؤال اساسی این است که حق حکومت چیست و چگونه تعیین می‌شود؟ در ادبیات جدید مشروعیت به این سؤال به دو طریق جواب داده شده است. یکی دیدگاه وبری است که حق حکومت را به معنای «باور شهروندان به حق حکومت» می‌داند و دیگری دیدگاه هابرماس (۱۹۷۵) است که معیار حق حکومت را «اطمینان اجتماعی»^۳ شهروندان می‌داند که در بستر کنش ارتباطی آرمانی جامعه حاصل می‌شود. از دیدگاه وبر «باور ذهنی به اعتبار یک نظم، ایجاد کننده اعتبار آن نظم است». بر طبق این نظر، «حق» به «باور به مناسب بودن نظم موجود» و «باور به حق حکومت» کاهش می‌یابد (کوپر، ۱۹۹۶: ۴۶۴). از دیدگاه وبر، مشروعیت را باید در اذهان پیروان جستجو نمود نه اذهان رهبران. «این پیروان هستند که با جهت‌گیریهای ذهنی خود تعیین می‌کنند که آیا این نظم یا فرمان مشروعیت دارد یا نه؟ هر چند ممکن است در عمل دلایل متعددی از جمله انگیزه‌های اعتقادی (آرمانی)، واکنشهای احساسی و منافع مادی در اطاعت افراد از فرامین رهبران دخالت داشته باشد و از طریق همین انگیزه‌های درونی و بیرونی افراد است که مشروعیت یک نظم تضمین یافته و تداوم پیدا می‌کند» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۸). بنابراین «اقتدار رهبر فقط و فقط وقتی مشروع می‌شود که پیرو معتقد باشد قدرت او مشروعیت دارد و اگر هم به صورت داوطلبانه فرامین را اطاعت می‌کند به دلیل این باور است که اطاعت کردن یک وظیفه اخلاقی برای اوست» (دوک، ۱۹۸۷: ۴۶).

ازسویی و بر اعتقاد دارد هر نظام سیاسی، در نهایت بر قوه قهر و اجبار استوار است و حق استفاده از زور در انحصار دولت است؛ در این معنا نیروی قهری و مشروعیت مکمل یکدیگر به حساب می‌آیند و «معمولاً تاجایی که مشروعیت نظم سیاسی پذیرفتنی است، قوه قهر و اجبار دولت، ناپیداست. چنانچه حداقل سازمانهای اجرایی دولت - به زبان وبر کارکنان اداری - آن را نپذیرند، قوه قهری هم تضعیف می‌شود» (لاونثال، ۱۳۷۸: ۱۵۵). این اندیشه در بیان کارل مارکس نیز انعکاس پیدا کرده است: «... این شخص باور دارد چون پادشاه است، مردم از او اطاعت می‌کنند اما در حقیقت، او فقط تا زمانی پادشاه است که مردم از او اطاعت کنند»

^۱ - Legitimate

^۲ - Right to rule

^۳ - Social Conviction

(همان). بدین ترتیب می‌توان گفت مادامی که شهروندان وظایف خود را بدون الزام و به صورت داوطلبانه انجام می‌دهند، مشروعیت سیاسی وجود دارد و تبعاً بیشترین مشروعیت وقتی حاصل می‌شود که دولت در اعمال حاکمیت خود از کمترین زور استفاده کند. و بر چهار دلیل را برای کسب مشروعیت هر گونه نظم اجتماعی مشخص می‌کند که عبارتند از: «سنت، عاطفه، ارزش، عقلانیت و قانونیت» و معتقد است که افراد به یکی از طرق مذکور به یک نظم مشروعیت می‌بخشند (کوپر، ۱۹۹۶: ۴۶۴).

هابرماس، حق حکومت را بر اساس «نظریه اجماعی حقیقت»^۱ تعریف می‌کند. به عقیده وی «حقیقت عبارت است از ادعای مطمئن^۲ در شرایطی که افراد از لحاظ توانایی ارتباطی^۳ در وضعیت آرمانی قرار گرفته باشند» (همان). وضعیت آرمانی ارتباط (گفتمان) نیز وضعیتی است که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی تحقق می‌یابد و این امر مستلزم نقد ایدئولوژی یا زدودن کژیها و اختلالهای ایدئولوژی از پیکر ارتباط گفتمانی است. حقیقت عنصری بین‌الذهانی است که در عمل کلام ظهور پیدا می‌کند و به داوری بین ذهنی وابسته است و از اجماع مباحثه‌گران در یک وضعیت گفتمانی حاصل می‌شود (هولاب، ۱۳۷۵). بر این اساس «یک نظریه رضایت بخش مشروعیت می‌بایست به لحاظ فلسفی بر یک قضاوت عقلانی» درباره «حق حکومت» استوار باشد. قضاوتی که افراد را به یک باور و شناخت مطمئن درباره حکومت برساند (کوپر، ۱۹۹۶: ۴۶۴).

نکته مشترک در دیدگاه وبر و هابرماس این است که مشروعیت حکومت یک امر ذهنی و جمعی است و معادل با «باور به مشروعیت»^۴ تلقی می‌شود و تفاوت این دو بیشتر مربوط به تأکیداتی است که روی جنبه‌ها و مکانیسمهای مشروعیت دارند. در این معنا می‌توان گفت که در دیدگاه وبر روی جنبه‌های عاطفی و اخلاقی مشروعیت و به تبع آن روی مکانیسمهای هنجاری ایجاد مشروعیت و در دیدگاه هابرماس روی جنبه‌های عقلانی و ابزاری مشروعیت عقلانی و به تبع آن روی مکانیسمهای قانونی و ابزاری ایجاد مشروعیت تأکید بیشتری صورت می‌گیرد. این دو دیدگاه بر ادبیات مشروعیت سیاسی سیطره دارند و اغلب تعاریفی که از مشروعیت صورت گرفته است در قالب این دو دیدگاه جای می‌گیرد. با این حال، کار در زمینه مشروعیت

1-Consensus theory of truth

2-Warranted assrtability

3-Communicative competence

4-A belief in legitimacy

سیاسی با اختلاف نظر همراه است و مفهوم مشروعیت، همچنان یک مفهوم پیچیده و جدال برانگیز باقی مانده است. استرایکر تعاریفی را که در ادبیات پژوهشی در طی چند دهه گذشته از مشروعیت سیاسی به عمل آمده است در ذیل سه رویکرد کلی قرار می‌دهد که عبارتند از:

۱- مشروعیت به عنوان تأیید گرایشی قواعد^۱

در این رویکرد تعلق خاطر، وفاداری، تبعیت و تمایل عاطفی تأیید آمیز شهروندان نسبت به نظام سیاسی و قانونی مترادف با مشروعیت تلقی می‌شود (استرایکر، ۱۹۹۴: ۸۵)

بر مبنای رویکرد حاضر، اطاعت و پیروی افراد از قواعد قدرت، ناشی از باور آنها به حقانیت قواعد یا «حق حکومت» است. مکانیسم غالب در ایجاد این نوع مشروعیت، «مکانیسم‌های هنجاری» است که بر اساس آنها، حقانیت قواعد، به یک باور درونی در افراد مبدل شده و ضمانت اخلاقی پیدا می‌کند؛ یعنی افراد در یک فرآیند طولانی جامعه پذیری ضمن پذیرش قواعد قدرت و احساس تعلق عاطفی نسبت به آنها، احساس مسؤولانه‌ای نسبت به حفظ قواعد پیدا می‌کنند. بر این اساس، تأیید گرایشی قواعد متضمن سه عنصر اساسی است، که عبارتند از: «تأیید حقانیت قواعد قدرت»^۲، «تعلق سیاسی»^۳ و «تمهید سیاسی»^۴.

منظور از تأیید حقانیت قواعد، باور شهروندان به درستی و حقانیت قواعد قدرت است. این باور از مبانی مختلفی نشأت می‌گیرد و به حسب نوع نظام سیاسی، مبانی آن تفاوت پیدا می‌کند. آنچنان که مثلاً در یک نظام سیاسی دینی (تئوکراتیک) که قواعد قدرت بر وفق و متکی به احکام دینی است، حقانیت قواعد نیز «حقانیت دینی» خواهد بود. در چنین نظامی، تأیید حقانیت قواعد به معنای باور شهروندان به منشاء دینی و الهی قواعد قدرت است. تبعاً در یک نظام سیاسی غیر دینی، مبانی حقانیت متفاوت خواهد بود.

تعلق سیاسی، به معنای «هم ذات پنداری»^۵ فرد با نظام سیاسی است که به حسب آن فرد، خود را جزئی از پیکره نظام سیاسی تلقی می‌کند و بر عضویت خود در نظام سیاسی می‌بالد. احساس عضویت در نظام سیاسی، در ابراز وفاداری و دلبستگی فرد نسبت به نظام سیاسی خود را نشان می‌دهد. در این معنا، مفهوم تعلق سیاسی را

1-Legitimacy as attitudinal approval of rules

2-Rightness

3-Political loyalty

4-Political commitment

5-Self-identification

می توان از مفاهیم مجاور و مترادف با مفهوم «سربلندی مدنی»^۱ در ادبیات پژوهشی مشروعیت، دانست (و درفورد، ۱۹۹۴)

تعهد سیاسی خصلت اخلاقی و مسؤولانه دارد و حاکی از احساس مسؤولیت فرد نسبت به سرنوشت نظام سیاسی و آمادگی در حفظ و حراست از قواعد اساسی آن دارد. بدین معنا که فرد حاضر می شود از منافع و علائق فردی خود به نفع نظام سیاسی یا حفظ قواعد اساسی آن، گذشت نماید. مراتب این گذشت و فداکاری به حسب حساسیت و اهمیت قواعد قدرت در یک نظام، مشخص می شود. با این تعریف، مفهوم تعهد سیاسی را می توان با مفهوم «وظیفه مدنی»^۲ در ادبیات پژوهشی مشروعیت، مجاور و مترادف دانست (همان).

۲- مشروعیت به عنوان موافقت رفتاری با قواعد^۳

در این رویکرد، مشارکت افراد در رفتارهایی که در یک چارچوب اجتماعی معین، نشانه رضایت و موافقت با نظام سیاسی شناخته می شود، معادل مشروعیت تلقی می شود؛ مثل یاد کردن سوگند وفاداری، شرکت در رأی رباتی یا شرکت در انتخابات (اسرایکر، ۱۹۹۴: ۷۰).

بر اساس رویکرد، رفتارهای موافقت آمیز افراد با نظام سیاسی، از انگیزه های مختلفی نشأت گرفته و طیف گسترده ای از رفتارهای مشارکتی کاملاً فعال تا کاملاً منفعل را در بر می گیرد. مکانیسم غالب - نه تنها مکانیسم - در ایجاد این نوع مشروعیت، «مکانیسم های ابزاری» است که با تکیه بر نتایج و پیامدهای رفتار، افراد را به شرکت در رفتارهای موافقت آمیز با نظام سیاسی بر می انگیزاند. عقیده به مشروعیت در این معنا عمدتاً متکی به تامین نفع و فایده^۴ است و افراد با محاسبه نفع و ضرر مترتب بر تصمیم خود، درگیر کنش سیاسی می شوند. بر این اساس می توان گفت «نفع عمومی»^۵ مستتر در قواعد قدرت، اصلی ترین عنصر مشروعیت آنها به حساب می آید و مادامی که شهروندان باور داشته باشند، قواعد موجود تامین کننده نفع عمومی است، آن

1-Civic pride

2-Civic duty

3-Legitimacy as behavioral consent to rules

4-Utility

5-General interest

قواعد مشروعیت خواهند داشت. این تلقی از مشروعیت، مفهوم مذکور را با مفهوم «شهروندی»^۱ بسیار نزدیک می‌سازد و به حسب آن، نظام سیاسی مشروع، نظامی است که قواعد آن تضمین‌کننده حقوق شهروندی (آزادی، امنیت، رفاه و...) باشد.

۳- مشروعیت به عنوان سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد الزام آور^۲

در این رویکرد، مشروعیت بر شناخت و آگاهی از قواعد دلالت دارد نه بر تأیید آن قواعد و شهروندان نیز به این علت که می‌دانند که قواعد الزام آورند با آن هم‌نوا می‌شوند، هر چند که ممکن است به لحاظ شخصی، آن قواعد را مورد حمایت قرار ندهند (همان).

بر اساس این رویکرد، مبنای اولیه اطاعت سیاسی، آگاهی افراد از الزام آور بودن قواعد قدرت است، لذا با افزایش آگاهی و شناخت افراد از الزامات قانونی یا قواعد الزام آور و نهادی شده در نظام سیاسی، تمکین بیشتری نسبت به قواعد قدرت صورت می‌گیرد. مکانیسم غالب در ایجاد این نوع مشروعیت، «مکانیسم‌های قانونی» یا رسمی است که ضمانت‌ایی را برای رعایت قواعد به وجود می‌آورد. از این دیدگاه می‌توان گفت مشروعیت، آگاهی از الزام و ضمانت اجرای قانونی^۳ است و مشروعیت به معنای پذیرش الزام آمیز قواعد قدرت است.

رویکردهای سه‌گانه مشروعیت سیاسی را مطابق جدول ۱ می‌توان با یکدیگر مقایسه نمود.

جدول (۱) مقایسه رویکردهای سه‌گانه مشروعیت سیاسی

عناصر اصلی	مکانیسم غالب	رویکردهای مشروعیت سیاسی
تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، باور به حقانیت قواعد	مکانیسم هنجاری	تأیید گرایشی قواعد قدرت
باور به نفع عمومی قواعد	مکانیسم ابزاری	موافقت رفتاری با قواعد قدرت
آگاهی از الزامات و ضمانت‌های اجرای قانون	مکانیسم قانونی	سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد الزام آور

1-Citizenship

2-Legitimacy as cognitive orientation to binding rules

3-sanction

اگر چه در رویکردهای سه گانه مذکور، معیارها و مکانیسمهای متفاوتی برای مشروعیت سیاسی ارائه گردیده است، لکن این تعاریف قابل تبدیل به یکدیگرند. مثلاً آگاهی افراد از قواعد الزام آور و نهادی شده، می تواند به موافقت رفتاری و تأیید گرایشی آن قواعد مبدل گردد و یا چنانچه افراد علی رغم مخالفت ذهنی و یا عدم تأیید قواعد قدرت، با هر انگیزه‌ای در رفتارهای تأیید آمیز نظام سیاسی شرکت نمایند، این مشارکت فی نفسه می تواند، ذهنیت آنها را نسبت به قواعد قدرت، مثبت نماید. علاوه بر این که تفکیک این معیارها و مکانیسمها، جنبه تحلیلی دارد و در سطح واقعیت این سه می تواند به طور همزمان وجود داشته باشد؛ یعنی مثلاً افرادی به طور همزمان، هم سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد داشته باشند، هم در موافقت با قواعد گام بر دارند و هم این که قواعد را مورد تأیید و حمایت شخصی قرار دهند. بدین جهت، تعاریف سه گانه مزبور را می توان در یکدیگر ادغام نمود و آنها را سه سطح از مفهوم کلی مشروعیت سیاسی تلقی کرد که بیرونی ترین سطح آن، موافقت رفتاری با قواعد است و درونی ترین لایه آن، تأیید گرایشی قواعد قدرت است... درحالی که، تأیید گرایشی قواعد تنها با قبول حقانیت قواعد شکل می گیرد و از عمق بیشتری برخوردار است، رفتارهای موافقت آمیز با قواعد از انگیزه‌های مختلفی نشأت گرفته و از این جهت افراد بیشتری را در بر می گیرد. لذا مطابق شکل (۱)، سطوح مشروعیت سیاسی را از حیث «عمومیت» و «شدت» می توان از یکدیگر تفکیک نمود.

شکل (۱) سطوح مشروعیت سیاسی



تعریف پیشنهادی مشروعیت سیاسی

با توضیحی که از لایه‌های سه‌گانه مشروعیت ارائه گردید اینک می‌توان با تأکید بر عناصر سه‌گانه مندرج در لایه زیرین (تعلق سیاسی، تعهد سیاسی و تأیید حقانیت قواعد) و لحاظ کردن اصلی‌ترین عنصر در لایه بیرونی (نفع عمومی قواعد) و خارج کردن عنصر الزام در لایه میانی مشروعیت از فهرست عناصر تعریف گر، مشروعیت سیاسی را تعریف نمود. حال چنانچه، قواعد قدرت را قواعد قانونی یا به بیان فوجز (۱۹۹۵) واقعیت‌های قانونی^۱ بدانیم که قدرت بر اساس آن کسب و اعمال می‌گردد و نظام سیاسی بر مبنای آنها، ساخت پیدا می‌کند^(۳)، تعریف ذیل را می‌توان برای مشروعیت سیاسی پیشنهاد نمود:

«مشروعیت سیاسی دارای چهار عنصر اساسی است که عبارتند از تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت و تأیید نفع عمومی قواعد قانونی و یک نظام سیاسی به میزانی مشروعیت دارد که اکثریت شهروندان آن:

۱- علاقه و دل‌بستگی خود را نسبت به نظام سیاسی ابراز دارند؛

۲- نسبت به سرنوشت نظام سیاسی، احساس مسئولیت نمایند؛

۳- حقانیت قواعد قانونی را مورد تصدیق قرار دهند؛

۴- نفع عمومی قواعد قانونی را مورد تأیید قرار دهند».

روش سنجش مشروعیت سیاسی

مفهوم مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران به حسب تعریف عملیاتی عناصر چهارگانه آن، با استفاده از ۱۳ گویه که ۷ گویه آن مثبت (گویه‌هایی که موافقت با آنها نشانه موافقت با قواعد اساسی نظام سیاسی تلقی می‌شود) و ۶ گویه آن منفی (گویه‌هایی که موافقت با آنها نشانه مخالفت با قواعد اساسی نظام سیاسی تلقی می‌شود) به شرحی که در جدول (۳) آمده، مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌های منفی در جدول مذکور با علامت ستاره در اولین ستون مشخص گردیده است. به حسب تعریف عملی مفاهیم، در جدول مذکور گویه‌های ۱، ۲ و ۱۱ برای سنجش «تأیید نفع عمومی قانون اساسی» گویه‌های ۳، ۹ و ۱۲ برای سنجش «تأیید حقانیت دینی قانون اساسی» گویه‌های ۵، ۸، ۱۰ و ۱۳ برای سنجش «علاقه و دل‌بستگی به نظام

جمهوری اسلامی» و گویه‌هایی ۴، ۶ و ۷ برای سنجش «احساس مسئولیت نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران» منظور گردیده است.

به حسب اعتباریابی^۱ اولیه‌ای که بر روی مقیاس کلی مشروعیت سیاسی انجام گرفته، ضریب اعتبار ملاک^۲ مقیاس معادل ۰/۹۲ و ضریب روایی^۳ آن که براساس داده‌های نهایی محاسبه گردیده ۰/۸۷ بوده که ضریب اعتبار حاکی از دقت سنجش و ضریب روایی حاکی از ثبات سنجش مقیاس مشروعیت سیاسی است. پیمایش مذکور در سال ۱۳۷۹ در سه شهر تهران، مشهد و یزد انجام گرفته و در طی آن با ۱۰۶۱ نفر افراد ۱۶ ساله و بالاتر که به روش نمونه‌گیری دومرحله‌ای و به صورت تصادفی برگزیده شده‌اند، مصاحبه حضوری انجام گرفته است. تعداد پاسخگویان به ترتیب در تهران ۴۳۹ نفر، در مشهد ۳۴۶ نفر و در یزد ۲۷۶ نفر بوده است. «از این تعداد ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱/۶ سال و میانه تحصیلی آنان دوره متوسط بوده است. بعلاوه ۴۰/۵ درصد پاسخگویان شاغل، ۷/۵ درصد بیکار، ۲۷/۷ درصد خانه‌دار، ۳/۸ درصد بازنشسته و ۲۰/۶ درصد از آنان محصل و دانشجو بوده‌اند».

نتایج سنجش مشروعیت سیاسی

در تشریح نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت جمهوری ایران ابتدا دلالت‌های جزئی مشروعیت (نتایج به تفکیک گویه‌ها) و سپس دلالت‌های کلی مشروعیت (نتایج ترکیبی گویه‌ها) تشریح می‌گردد. آنگاه ابعاد چهارگانه (دلالت‌های کلی) مشروعیت در لایه‌ها و رده‌های مختلف اجتماعی مقایسه خواهد شد. برای سهولت نتیجه‌گیری، مقیاس ۵ قسمتی مشروعیت سیاسی به مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شده و کلیه آمارها بر مبنای مقیاس مذکور محاسبه گردیده است.

توصیف اجزای مشروعیت سیاسی

نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران به تفکیک ۱۳ گویه‌ای که برای سنجش آن منظور شده، در جدول ۳ منعکس گردیده است. در جدول مذکور، فراوانی نسبی پاسخها و آمارهای

1-Validation

2-Criterion validity of coefficient

3-Reliability Coefficient

مربوط به هر گویه به روشنی دلالت‌های ذهنی مشروعیت را در نزد پاسخگویان نشان می‌دهد. دلالت‌های عمده مشروعیت در جدول مذکور به شرح زیر است:

۱- تعداد پاسخهای معتبر در ردیف مربوط به هر گویه نشان می‌دهد که درصد اجتناب و طفره از پاسخگویی در مورد همه سؤالات مشروعیت سیاسی کمتر از ۵ درصد است و این امر حاکی از این است که اولاً مسائل مرتبط با مشروعیت دولت در معرض فهم و تجربه عمومی قرار گرفته است؛ در ثانی اکثریت قاطع افراد، نگران آشکار شدن عقاید سیاسی خود نیستند. بعلاوه عادی بودن درصد پاسخهای مردد که می‌تواند حاکی از پنهان کردن عقاید افراد باشد، نیز همین معنا را تأیید می‌کند.

۲- درصد پاسخهای کاملاً موافق و کاملاً مخالف در مجموع سؤالات مشروعیت سیاسی اعم از گویه‌هایی که با مضمون موافقت یا مخالفت با نظام سیاسی تنظیم شده است، کمتر از درصد سایر پاسخها (موافق، مردد و مخالف) است و این بدان معناست که نظریات کاملاً محافظه کار یا کاملاً رادیکال نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران وزن و اهمیت کمتری از نظریات معتدل یا اصلاحی دارد.

۳- بیشترین میانگین موافقت (۶۷/۶) مربوط به گویه شماره ۱۱ است که دلالت بر اصلاح قانون اساسی دارد و کمترین میانگین موافقت مربوط به گویه‌های ۵، ۷ و ۱۳ است که موافقت با آنها متضمن نفی نظام جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دقیق‌تر، میل به اصلاح در درون نظام بیش از میل به تغییر بنیادی در نظام سیاسی است.

۴- بعلاوه کمترین اختلاف نظر (۲۳/۹) مربوط به گویه ۶ است که موضوع آن حمایت و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی ایران است در حالی که بیشترین اختلاف (۳۱/۶) مربوط به گویه ۱۳ است که موضوع آن نفی و جایگزینی حکومت جمهوری اسلامی در ایران است و این بدان معناست که در بین پاسخگویان در باره حفظ نظام جمهوری اسلامی، اتفاق نظر بیشتری وجود دارد تا در نفی آن.

۵- به طور کلی در گویه‌هایی که موضوع آنها اصلاح قانون یا قواعد اساسی است (گویه، ۸ و ۱۱)، میل به موافقت (تغییر قواعد) بیش از میل به مخالفت (حفظ قواعد) است. در هر سه گویه مذکور، میانگین موافقت بالاتر از ۶۰ است، اما در مقابل در گویه‌هایی که موضوع آن نفی و جایگزینی نظام سیاسی است (گویه ۵ و ۱۳) میل به مخالفت بیش از موافقت است و در هر دو گویه میانگین موافقت با جایگزینی نظام سیاسی کمتر از حد متوسط (۵۰) است.

جدول (۳) آمار دلالت‌های جزئی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران (تعداد پاسخگو = ۱۰۶۱)

ردیف	گویه‌های مشروعیت سیاسی	تعداد پاسخ‌دهنده	میزان موافقت (درصد)						آماره‌های مشروعیت ^(۱)	
			کاملاً موافق	موافق	بی‌طرف	غیر موافق	کاملاً مخالف	مردم	توان	مردم
*۱	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در شرایط اول انقلاب و با عجله تهیه شده و پاسخگوی توقعات جامعه ما نیست و نیازمند اصلاح است.	۱۰۱۵	۶۷	۱۶۷	۱۴/۹	۴۷/۲	۱۴/۶	۶۱/۶	۲۸/۲	۲۸/۲
۲	در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق و آزادی‌های مشروع مردم (مثل آزادی عقیده، بیان و ...) کاملاً محترم شمرده شده است.	۱۰۲۸	۵/۴	۱۸/۹	۱۸/۳	۴۹/۸	۷/۶	۵۸/۸	۲۶	۲۶
۳	همان حقانی که برای عقاید دینی می‌توان قائل شد، برای قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز می‌بایست قابل بود.	۱۰۳۶	۳/۹	۱۲/۹	۱۵/۹	۵۶/۵	۱۰/۸	۶۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴
۴	مردم، تکلیف دینی و شرعی خود می‌دانند که همواره از حکومت جمهوری اسلامی ایران حمایت کنند.	۱۰۵۱	۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۵۶/۲	۱۲/۳	۶۵/۵	۲۵/۳	۲۵/۳
*۵	اگر مثل سال ۱۳۵۸، راگیری مجددی برای انتخاب نوع حکومت در ایران صورت بگیرد، درصد قابل توجهی از مردم ایران، به حکومت جمهوری اسلامی رأی نخواهند داد.	۱۰۲۴	۱۰/۷	۳۰/۲	۲۱/۵	۲۷/۷	۹/۹	۴۹	۲۹/۶	۲۹/۶
۶	با وجود همه مشکلاتی که جامعه ما با آن روبه روست، مردم وظیفه ملی و میهنی خود می‌دانند که همواره از حکومت جمهوری اسلامی ایران، حمایت کنند.	۱۰۵۳	۳/۳	۱۰/۸	۱۶/۲	۵۶	۱۳/۶	۶۶/۴	۲۳/۹	۲۳/۹
*۷	حفظ حکومت جمهوری اسلامی ایران، حفظ دین نیست که مردم حاضر باشند، در راه آن، از زندگی خود بگذرند.	۱۰۳۵	۹/۲	۳۸/۶	۱۸/۹	۲۸	۵/۲	۴۵/۴	۲۷/۵	۲۷/۵
*۸	تجربه ۲۰ سال گذشته نشان داده است که حکومت جمهوری اسلامی ایران به صورت فعلی آن، قادر به حل مشکلات کشور نیست و تنها با اصلاح اساسی آن، مشکلات کشور حل خواهد شد.	۱۰۲۵	۴/۸	۱۸/۴	۱۷/۳	۴۵/۶	۱۴	۶۱/۴	۲۷/۲	۲۷/۲

۹	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در حکم دستورات دینی است و باید از آن اطاعت نمود.	۱۰۴۲	۴/۸	۱۹/۷	۱۸/۸	۴۹/۶	۶/۱	۵۸/۶	۲۵/۶
۱۰	وقتی به آینده کشور فکر می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که با ادامه حکومت جمهوری اسلامی در کشور، آینده روشنی در انتظار مردم ایران است.	۱۰۴۵	۶/۸	۲۱/۷	۲۳/۳	۳۹/۲	۹	۵۵/۵	۲۷/۳
*۱۱	برای رسیدن به یک حکومت مردمی واقعی در ایران، لازم است اصلاحاتی در قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی، بوجود آید.	۱۰۳۳	۳/۱	۱۱/۶	۱۵/۲	۵۱/۶	۱۸/۴	۶۷/۶	۲۵
۱۲	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از اعتقادات دینی مردم ریشه گرفته و همانند عقاید دینی تقدس و احترام دارد.	۱۰۳۹	۳/۸	۱۳	۱۹/۱	۵۳/۳	۱۰/۹	۶۳/۶	۲۴/۴
*۱۳	مردم ایران، همواره طالب حکومتی هستند که باعث پیشرفت و سربلندی آنها باشد، ولو اینکه این حکومت، جمهوری اسلامی نباشد.	۱۰۴۳	۱۱/۷	۳۴/۶	۱۵/۷	۲۴/۴	۱۳/۶	۵۱/۶	۳۱/۶

توصیف ابعاد مشروعیت سیاسی

همچنان که در بحث روش سنجش اشاره گردید، هریک از گویه‌های مشروعیت سیاسی دلالت بر یکی از عناصر یا ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی دارد و تبعاً هر بعد از مشروعیت از ترکیب گویه‌های مربوط و مفهوم کلی مشروعیت سیاسی نیز از ترکیب ابعاد چهارگانه شکل می‌گیرد. برای این منظور، قبل از ترکیب و ادغام گویه‌ها، ابتدا گویه‌های منفی با گویه‌های مثبت هم جهت شده‌است؛ بدین معنا که مخالفت با گویه‌های منفی به معنای موافقت با گویه‌های مثبت تلقی گردیده است. این ترکیب به تفکیک عناصر چهارگانه و همچنین شاخص کلی مشروعیت سیاسی انجام گرفته و نتایج آن در جدول ۴ منعکس گردیده است. نتایج حاصله، دلالت‌های کلی مشروعیت دولت را درین پاسخگویان به روشنی نشان می‌دهد که ذیل به نکات برجسته آن اشاره می‌گردد:

۱- اندازه چارک اول، دوم و سوم، حداکثر نمره را به ترتیب در بین ۲۵ درصد، ۵۰ درصد و ۷۵ درصد پاسخگویان نشان می‌دهد. بر این مبنا کمترین نمرات در هر سه چارک، مربوط به تأیید نفع عمومی قانون اساسی

و بیشترین آن مشترکاً مربوط به تعهد سیاسی و تأیید حقانیت قانون اساسی است. در مورد اندازه‌های چارک سوم که حداکثر نمره را در بین اکثریت پاسخگویان نشان می‌دهد این معنا وجود دارد که بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰، حداکثر علاقه و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران در بین اکثریت پاسخگویان ۶۲/۵، حداکثر باور به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵۳/۸ و حداکثر باور به حقانیت دینی قانون اساسی و همچنین آمادگی برای حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران ۷۵ و در کل حداکثر عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی در بین اکثریت پاسخگویان ۶۳/۵ است.

۲- مقایسه میانگینها نیز نشان می‌دهد ضعیف‌ترین بعد مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران، «تأیید نفع عمومی قواعد» است که بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ عدد ۴۳/۲ را به خود اختصاص داده است؛ به عبارت دیگر اعتقاد به این که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین‌کننده حقوق و آزادیهای مدنی است در بین پاسخگویان ضعیف و کمتر از حد متوسط است. این در حالی است که انحراف معیار یا اختلاف نظر پاسخگویان در این بعد از مشروعیت (۱۹)، کمتر از سایر ابعاد است.

۳- میانگین کلی عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران ۵۳/۸ است که بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ کمی بالاتر از حد متوسط قرار می‌گیرد. بعلاوه میزان انحراف معیار مشروعیت سیاسی (۱۶/۴) نیز حاکی از این معناست که در بین پاسخگویان از لحاظ عقیده به مشروعیت سیاسی نظام، اختلاف نظر ناچیزی وجود دارد.

جدول (۴) آمار ابعاد مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران (تعداد پاسخگو^(۶) = ۱۰۶۱)

مشروعیت سیاسی	چارک اول	چارک دوم	چارک سوم	میانگین	انحراف معیار
تعلق سیاسی	۳۷/۵	۵۰	۶۲/۵	۴۹/۲	۲۱/۲
تعهد سیاسی	۵۰	۶۶/۷	۷۵	۶۲/۲	۱۹/۷
تأیید حقانیت قواعد	۵۰	۶۶/۷	۷۵	۶۲/۲	۱۹/۸
تأیید نفع عمومی قواعد	۳۳/۳	۴۱/۷	۵۸/۳	۴۳/۲	۱۹
شاخص کلی مشروعیت سیاسی	۴۴/۲	۵۳/۸	۶۳/۵	۵۳/۸	۱۶/۴

روابط متقابل ابعاد مشروعیت سیاسی

عناصر یا ابعاد منظور شده در تعریف مفهومی مشروعیت سیاسی، به لحاظ تحلیلی از هم متمایز هستند لکن در عمل با هم ظاهر می‌شوند و کل واحدی را تشکیل می‌دهند. این معنا علاوه بر این که در ضریب روایی مقیاس مشروعیت سیاسی (۰/۸۷)، خود را نشان داده است، به حسب همبستگی آماری (r) بین چهار بعد تحلیلی مشروعیت نیز تأیید گردیده است. نتایج این محاسبه در جدول ۵ منعکس گردیده و نشان می‌دهد که:

ابعاد چهار گانه مشروعیت سیاسی یکدیگر را تقویت می‌کنند و روابط دوجانبه آنها از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست. بالاترین همبستگی دوجانبه (۰/۶۵) مربوط به دو بعد «تعهد سیاسی» و «تأیید حقانیت ابعاد» است و این بدان معناست که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، هر چه باور افراد باور به حقانیت دینی قانون ماسی جمهوری اسلامی ایران عمیق تر باشد، در حمایت و حفاظت از نظام، احساس مسؤولیت بیشتری از خود می‌دهند و بالعکس. پایین‌ترین همبستگی دوجانبه (۰/۴۱) مربوط به دو بعد «تعهد سیاسی» و «تأیید نفع عمومی قواعد» است با این حال همبستگی مذکور نیز مثبت و کاملاً معنادار است. لذا بطور کلی می‌توان گفت اد و عناصر چهار گانه مشروعیت سیاسی مقوم یکدیگر هستند و تقویت یا تضعیف هر بعد، سبب تقویت یا تضعیف سایر ابعاد می‌شود.

جدول (۵) همبستگی ابعاد چهار گانه مشروعیت سیاسی (تعداد پاسخگو = ۱۰۶۱)

ابعاد مشروعیت سیاسی	تعلق سیاسی	تعهد سیاسی	حقانیت قواعد	نفع عمومی قواعد
تعلق سیاسی	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۶۲	
تعهد سیاسی		۰/۶۵	۰/۴۱	
تأیید حقانیت قواعد			۰/۴۶	
تأیید نفع عمومی قواعد				

مقایسه میانگین مشروعیت سیاسی در سه شهر تهران، مشهد و یزد

همان‌طور که اشاره گردید نتایج به دست آمده حاصل مطالعه مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد بوده است. با مقایسه سه شهر مذکور، تفاوتها یا شباهتهای این سه شهر از آن عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران آشکار می‌گردد. بدین منظور ابتدا شهرهای

مذکور از لحاظ چارک سوم، میانگین و پراکندگی عقیده به مشروعیت سیاسی به طور ساده و شهودی با یکدیگر مقایسه می‌شوند و سپس با استفاده از آزمون مقایسه میانگینها (آزمون شفه)^۱، تفاوت میانگین آنها از لحاظ آماری ارزیابی می‌گردد. در این ارزیابی، شهرهایی که تفاوت میانگین آنها در سطح ۰/۰۵ معنادار^۲ نیست به عنوان شهرهای متجانس^۳ در یک گروه قرار می‌گیرند. بر این مبنا چنانچه سه شهر مورد بررسی تفاوتی با هم نداشته باشند در یک گروه متجانس قرار می‌گیرند و چنانچه تفاوت میان هر سه شهر، معنادار باشد هر شهر در یک گروه جداگانه قرار می‌گیرد و حالت سوم این است که تنها دو شهر با هم متجانس باشند که در این صورت، دو شهر در یک گروه و شهر سوم در گروه جداگانه قرار می‌گیرد. این نتایج در جدول ۶ منعکس گردیده است. در جدول مذکور شهرهای متجانس با علامت ستاره (*) در ستون مربوطه مشخص گردیده است؛ با این توضیح ذیلاً به نکات برجسته جدول ۶ اشاره می‌گردد:

۱- اندازه چارک سوم که حاکی از حداکثر نمره درین اکثریت (۷۵ درصد) پاسخگویان است، نشان می‌دهد، در هر سه شهر تهران، مشهد و یزد و در کل، کمترین نمرات مربوط به «تایید نفع عمومی قواعد» و بیشترین نمرات مربوط به «تایید حقانیت قواعد» است؛ به عبارت دیگر در بین ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی، اعتقاد اکثریت پاسخگویان به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضعیف‌تر و اعتقاد به حقانیت دینی قانون اساسی قوی‌تر از سایر ابعاد است. بعلاوه میانگین تایید نفع عمومی قواعد نیز در هر سه شهر و در کل پایین‌تر و در مقابل میانگین تایید حقانیت قواعد بالاتر از سایر ابعاد است.

۲- در هر سه شهر تهران، مشهد و یزد و در کل، اختلاف نظر پاسخگویان در بعد تعلق سیاسی (ابرازعلاقه و دل‌بستگی به نظام جمهوری اسلامی ایران) بیشتر از سایر ابعاد مشروعیت سیاسی است.

۳- میزان عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در ابعاد چهارگانه و در کل در مشهد بیشتر از یزد و در یزد بیشتر از تهران است. میانگین کلی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در تهران ۴۹/۲، در مشهد ۵۸/۱ و در یزد ۵۵/۸ است.

1-Scheffe Test
2-Significant
3-Homogeneous

۴- اختلاف نظر پاسخگویان در ابراز عقیده به مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، در مشهد بیشتر از تهران و یزد است.

۵- تفاوت میانگین تعلق سیاسی (دلبستگی به نظام جمهوری اسلامی ایران) در سه شهر تهران، مشهد و یزد از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست.

۶- میانگین تعهد سیاسی (آمادگی برای حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران) در تهران، تفاوت کاملاً معناداری با مشهد و یزد دارد. در حالی که بین مشهد و یزد این تفاوت معنادار نیست. در مورد تایید حقانیت قواعد (عقیده به حقانیت دینی قانون اساسی) و همچنین مشروعیت سیاسی در کل نیز همین وضعیت صادق است.

۷- تفاوت میانگین تایید نفع عمومی قواعد (عقیده به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی) در سه شهر تهران، مشهد و یزد، از لحاظ آماری معنادار و قابل اعتنا نیست.

جدول (۶) آماره‌های مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد^(۷)

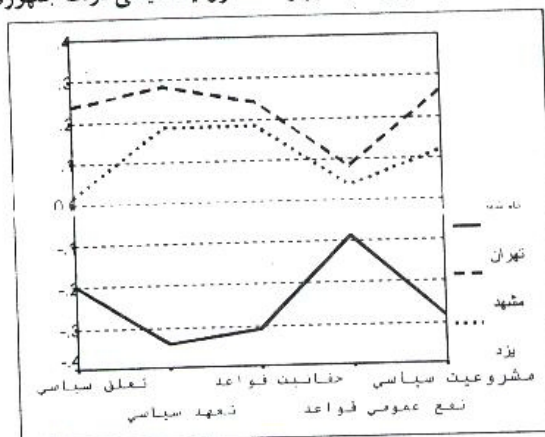
مجموعه شهرهای متجانس			آماره‌ها ^(۸)			محل سکونت (شهر)	ابعاد / عناصر مشروعیت
(۳)	(۲)	(۱)	انحراف معیار	میانگین	چارک سوم		
		*	۱۹/۳	۴۵/۰	۵۶/۳	تهران	
	*		۳۳/۳	۵۴/۲	۶۸/۸	مشهد	
	*		۱۹/۸	۴۹/۶	۶۲/۵	یزد	
		*	۱۸/۱	۵۵/۵	۶۶/۷	تهران	
	*		۲۱/۶	۶۷/۸	۸۳/۸	مشهد	
	*		۱۸/۴	۶۵/۸	۷۵	یزد	
		*	۱۸/۰	۵۶/۱	۷۱/۵	تهران	
	*		۲۱/۶	۶۷/۰	۸۳/۳	مشهد	
	*		۱۷/۸	۶۵/۹	۷۸	یزد	
		*	۱۷/۶	۴۱/۵	۵۰	تهران	تایید نفع عمومی قواعد
		*	۲۱/۸	۴۴/۸	۶۹/۲	مشهد	
		*	۱۷/۳	۴۳/۹	۵۸/۳	یزد	
		*	۱۴/۳	۴۹/۲	۵۷/۷	تهران	مشروعیت سیاسی (شاخص کلی)
	*		۱۸/۵	۵۸/۱	۶۹/۲	مشهد	
	*		۱۴/۸	۵۵/۸	۶۵/۴	یزد	

برای شفاف کردن نتایج قبلی، نیمرخ سه‌شهر تهران، مشهد و یزد بر روی هریک از ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در شکل ۲ نمایش داده شده‌است. برای این منظور ابتدا متغیرهای مورد مقایسه، استاندارد شده‌اند^(۹). در حالت استاندارد، میانگین متغیر برابر ۰ شده و مبدأ مقایسه قرار می‌گیرد و فاصله از میانگین به حسب انحراف معیار محاسبه می‌شود. بر روی محور عمودی نقطه ۰ نشان‌دهنده میانگین کل است که با یک خط نقطه چین محور عمودی را به دو نیمه مساوی تقسیم کرده است. بر روی

محور عمودی اندازه‌های بیشتر از میانگین با عدد مثبت (+) و کمتر از میانگین با عدد منفی (-) مشخص گردیده است و منحنیها نیز وضعیت هر یک از سه شهر تهران، مشهد و یزد را بر روی متغیرهای مربوطه مشخص می‌کنند.

مقایسه منحنیها در شکل ۲ به روشنی نشان می‌دهد که در تهران، میانگین مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در هر چهار بعد و در کل پایین‌تر از میانگین کل (۰) و در دو شهر مشهد و یزد بالاتر از میانگین قرار می‌گیرد. مشهد نسبت به یزد در فاصله بیشتری از میانگین کل قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، در مشهد مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی در هر چهار بعد و در کل بهبود یافته‌تر از یزد و تهران است.

شکل (۲) نیمرخ تهران، مشهد و یزد بر روی ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران



مقایسه میانگین مشروعیت سیاسی در لایه‌های اجتماعی درون شهرها

تفاوت یا شباهت سه شهر مورد بررسی از لحاظ عقیده به مشروعیت سیاسی دولت وقتی بهتر آشکار می‌شود که بینیم این عقیده در رده‌ها و لایه‌های مختلف اجتماعی این شهرها چگونه جای گرفته است. بدین منظور با رجوع به برخی خصوصیات زمینه‌ای پاسخگویان شامل جنس، وضع فعالیت، سطح تحصیل، گروه سنی و همچنین هویت حزبی^(۱۱) آنها، این مقایسه به روش و منطق پیش گفته (استفاده از آزمون مقایسه میانگینها) صورت گرفته است، لکن به دلیل مقایسه‌های عدیده و حجیم بودن خروجی آن، تنها به بیان نتایج این آزمونها

بسنده شده است. بعلاوه برای شفافیت موضوع و حاصل شدن درک شهودی از شباهتها یا تفاوتهای موجود در بین رده های اجتماعی شهر ها، میانگین و انحراف معیار مشروعیت سیاسی دولت (شاخص کلی) در بین رده های مورد بررسی و به تفکیک سه شهر، در جدول ۷ منعکس گردیده است. ذیلا با توجه به جدول مذکور ابتدا به چند نتیجه گیری شهودی و سپس به نتایج عمده آزمون مقایسه میانگینها (آزمون شفه) اشاره می گردد:

- ۱- میانگین کلی مشروعیت در همه رده های اجتماعی مورد بررسی در شهر تهران، کمتر از دو شهر دیگر است. این درحالی است که اختلاف نظر در این باره در اغلب موارد در تهران کمتر از مشهد و یزد است.
- ۲- در مشهد، همزمان که میانگین مشروعیت سیاسی در همه رده های اجتماعی بیشتر از دوشهر دیگر است، اختلاف نظریاسخگویان نیز در اغلب موارد بیشتر از تهران و یزد است.
- ۳- در کل، در بین رده های مختلف اجتماعی کمترین میانگین مشروعیت در رده بندی فعالیت - رده بیکاران (۴۹) - و بیشترین میانگین در رده بندی سیاسی پاسخگویان - در رده هویت محافظه کار (۶۲) - ظاهر گردیده است.

۴- نتایج آزمون مقایسه میانگین مشروعیت در بین زنان و مردان نشان می دهد در هیچ یک از سه شهر و در کل، تفاوت معنادار و قابل اعتنایی از لحاظ آماری در بین زنان و مردان وجود ندارد.

۵- در بین رده های مختلف فعالیت در هر سه شهر و در کل، میانگین مشروعیت در رده بیکاران کمترین و در رده بازنشسته ها، بیشترین است. تفاوت میانگین این دو رده، در تهران و در کل، معنادار و قابل اعتناست. علاوه بر این که در مجموع سه شهر، تفاوت رده بیکار با خانه دار نیز قابل اعتناست.

۶- در بین رده های مختلف تحصیلی در هر سه شهر و در کل، میانگین مشروعیت در پایین ترین رده تحصیلی (ابتدایی و بیسواد) بیشتر از سایر رده هاست. تفاوت رده های بالا و پائین تحصیلی جزء در شهر یزد، در دوشهر دیگر و در کل، معنادار و قابل اعتناست. در تهران، تفاوت قابل اعتنایی بین رده تحصیلی متوسطه و پائین تر از آن وجود ندارد.

۷- در بین رده های مختلف سنی در هر سه شهر و در کل، میانگین مشروعیت در رده سنی جوانان کمتر از رده سنی میانسال و سالخورده است. تفاوت میانگین مشروعیت در رده جوانان و سالخورده گان در مشهد و در کل، از لحاظ آماری معنادار و قابل اعتناست. در تهران و یزد، تفاوت قابل اعتنایی در بین رده های سه گانه سنی وجود ندارد.

۸- نتایج آزمون مقایسه میانگین مشروعیت در بین دو نوع هویت حزبی مورد بررسی، نشان می‌دهد در سه شهر و در کل، تفاوت معنادار و قابل اعتنایی از لحاظ آماری در بین این دو دسته وجود دارد. در هر سه شهر و در کل، میانگین مشروعیت در رده هویتی محافظه کار بیشتر از رده هویتی اصلاح طلب است.

[illegible]

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب پیش گفته نتایجی را که از سنجش مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد حاصل گردیده است، می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

حکومت و قواعد اساسی آن به عنوان موضوعات گرایشی در معرض فهم و تجربه عمومی قرار دارد و بیش از ۹۵ درصد پاسخگویان در سه شهر تهران، مشهد و یزد نظریات خود را ابراز داشته‌اند. در قضاوت نسبت به حکومت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میل به حفظ و اصلاح قواعد اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از تغییر و جایگزینی آن است. از طرفی میل به اصلاح قواعد موجود بیش از حفظ آن به شکل کنونی است.

در حالی که ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی (تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت قواعد و تأیید نفع عمومی قواعد) رابطه مثبت و مکمل با هم دارند، لکن ذخیره متفاوتی در نزد پاسخگویان دارند. آنچنان که در بین ابعاد مذکور، تأیید نفع عمومی قواعد یا باور به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضعیف‌تر از سایر ابعاد است. بعلاوه حداکثر عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در بین ۷۵ درصد پاسخگویان ۶۳/۵ است. این در حالی است که میانگین کلی مشروعیت سیاسی ۵۳/۸ است که بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ کمی بالاتر از حد متوسط قرار می‌گیرد.

در مشهد، مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در ابعاد چهارگانه و در کل بیشتر از یزد و در یزد بیشتر از تهران است. تفاوت تهران با دو شهر مشهد و یزد در کل و در سه بعد از چهار بعد مشروعیت سیاسی از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست و تنها از لحاظ میانگین تأیید نفع عمومی قواعد (عقیده به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی)، تفاوت قابل اعتنایی در بین سه شهر مذکور مشاهده نمی‌شود. بعلاوه مشهد و یزد جزء در بعد تعلق سیاسی (ابراز دلبستگی به نظام جمهوری اسلامی ایران) تفاوت قابل اعتنایی با یکدیگر ندارند.

از سویی مقایسه میانگین کلی مشروعیت در بین تعدادی از رده‌های اجتماعی سه شهر مذکور حاکی از این معناست که میانگین عقیده به مشروعیت دولت در همه رده‌های مورد بررسی در شهر تهران، کمتر از دو شهر دیگر است؛ در حالی که اختلاف نظر در این باره در اغلب موارد در تهران کمتر از مشهد و یزد است. در هر سه شهر، کمترین عقیده به مشروعیت دولت در بین بیکاران و بیشترین تفاوت عقیده در رده بندی هویت سیاسی

پاسخگویان به چشم می خورد، آنچنان که در هر سه شهر، تفاوت معناداری در بین هویت‌های اصلاح طلب و محافظه کار از لحاظ عقیده به مشروعیت دولت دیده می شود. بعلاوه تفاوت بین رده های بالا و پایین تحصیلی و سنی نیز قابل اعتناست و در مقابل تفاوت زن و مرد در هیچ یک از سه شهر مذکور از لحاظ عقیده به مشروعیت دولت قابل توجه نیست.

اگر چه نتایج قابل تامل زیادی در نتایج سنجش مشروعیت دولت در سه شهر مذکور یافت می شود، لکن در این میان، نتایج و نکات ذیل جای تامل بیشتری دارد:

نکته اول: در بین ابعاد یا عناصر چهارگانه مشروعیت، تأیید نفع عمومی قواعد یا باور به تأمین حقوق شهروندی در قانون اساسی ضعیف تر از سایر ابعاد و کمتر از حد متوسط است. چنانچه بعد مذکور را عنصر اصلی مشروعیت مدنی و بعد تأیید حقانیت (دینی) قواعد را عنصر اصلی مشروعیت دینی دولت تلقی کنیم، در این صورت مقایسه میانگین این دو نوع مشروعیت به روشنی حاکی از این معناست که در هر سه شهر مورد بررسی، ذخائر مشروعیت مدنی دولت به مراتب خالی تر از ذخائر مشروعیت دینی است.

نکته دوم: در حالی که میل به حفظ جمهوری اسلامی بیش از میل به تغییر و جایگزینی آن است، میل به اصلاح قواعد اساسی نظام بیش از میل به حفظ آن با شرایط کنونی است و این بدان معناست که با اصلاح قواعد موجود، ذخائر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را می توان افزایش داد.

نکته سوم: میانگین کلی عقیده به مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران بر روی یک مقیاس تا ۱۰۰ معادل ۵۳/۸ است که تنها کمی بالاتر از حد متوسط محسوب می شود. چنین اندوخته‌ای برای یک نظام نوپای سیاسی که تنها ۲۰ سال از تأسیس آن می گذرد و انبان مشروعیت آن در بدو تأسیس (۱۳۵۸) با رأی بیش از ۹۸ درصد از شهروندان پر گردیده، چندان رضایت بخش نیست و این کاهش محسوس مشروعیت، می تواند نگران کننده باشد.

نکته چهارم: میانگین مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در همه ابعاد چهارگانه آن و در کل، در تهران پایین تر از مشهد و یزد است. اگر چه، سه شهر مذکور نماینده سه نظام اجتماعی متفاوت در ایران محسوب می شوند، لیکن تجارب سیاسی چنددهه اخیر به روشنی نشان داده که تهران مرکز ثقل و صدور عقیده سیاسی در کشور است و سرنوشت نظام سیاسی بیش از هر نقطه کشور، در تهران رقم می خورد و تصویر کنونی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی در تهران، تصویر ملی مشروعیت سیاسی دولت را در چند

سال آینده ترسیم می‌کند. این در حالی است که میانگین مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در شهر تهران در حال حاضر کمتر از حد متوسط (۴۹/۲) است و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی در آینده، بویژه در بعد مدنی (تایید نفع عمومی قواعد) جنبه مسأله‌ای بیشتری به خود خواهد گرفت.

نکته پنجم: در هر سه شهر مورد بررسی، رابطه معکوسی بین سطح تحصیل و عقیده به مشروعیت دولت دیده می‌شود؛ یعنی با افزایش سطح تحصیل، عقیده به مشروعیت دولت کاهش پیدا کرده است و این تفاوت عقیده بویژه در بین سطوح تحصیلی بالا (دانشگاهی) و پایین (ابتدایی / بی‌سواد) بسیار محسوس است. همین تفاوت و همین معنا در بین رده سنی جوانان و سالخوردگان نیز دیده می‌شود و عقیده به مشروعیت دولت در بین جوانان، به طور محسوسی کمتر از سالخوردگان است و این بدان معناست که با فرض تداوم وضع موجود با جایگزینی نسل جدید، مسأله مشروعیت دولت در ایران حادث‌تر خواهد شد.

ششمین و آخرین نکته مربوط به تاثیر هویت حزبی بر مشروعیت سیاسی است. نتایج تحقیق به روشنی نشان می‌دهد در بزد و هویت‌های حزبی اصلاح طلب، مشروعیت دولت با چالش بیشتری روبه روست و میانگین عقیده به مشروعیت دولت در بین هویت‌های حزبی اصلاح طلب به مراتب کمتر از هویت‌های حزبی محافظه کار است. در شرایطی که در مجموع سه شهر مذکور، از بین آنهایی که هویت حزبی خود را اعلام کرده اند (۴۱ درصد)، اکثریت آنها (۸۲/۱ درصد) هویت حزبی اصلاح طلب دارند، با فرض تداوم وضع موجود و تقویت هویت‌های حزبی اصلاح طلب، نظام جمهوری اسلامی ایران در آینده با چالش‌های جدی تر مشروعیت روبه رو خواهد شد. با تأمل بیشتر بر روی داده‌هایی که از سنجش مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی به دست آمده این معنا حاصل می‌شود که شهروندان (پاسخگویان) سه نگاه و ارزیابی متفاوت از قواعد اساسی قدرت در ایران ابراز داشته اند:

نگاه نخست این است که نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن به ترتیبی که الان موجود است، پذیرفتنی است و از آن باید پشتیبانی نمود؛ نگاه دوم این است که نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن به شکل کنونی ظرفیت پاسخگویی به همه مطالبات و توقعات جامعه را ندارد و از این جهت نیازمند اصلاح و بازنگری است؛ نگاه سوم این است که نظام جمهوری اسلامی، شیوه مناسبی برای اداره جامعه ایران نیست و باید کل نظام سیاسی را تغییر داد و اشکال دیگری از حکومت را جایگزین آن نمود. این سه نگاه را می‌توان به

عنوان سه نوع رویکرد سیاسی ایدئولوژیک در جامعه تلقی نمود: ایدئولوژی محافظه کار ایدئولوژی اصلاح طلب و ایدئولوژی رادیکال. این سه نوع رویکرد از حیث میزان تمایلی که به تغییر قواعد اساسی نظام دارند، بر روی یک پیوستار قرار می گیرند. در یک سمت این پیوستار ایدئولوژی محافظه کار و در سمت مقابل آن، ایدئولوژی رادیکال و در بین این دو، ایدئولوژی اصلاح طلب قرار می گیرد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که اولاً میل به اصلاح قواعد اساسی نظام بیش از حفظ قواعد آن و میل به حفظ قواعد نیز بیش از میل به تغییر و جایگزینی آن است^(۱۲)؛ در ثانی میل به اصلاح قواعد با میل به حفظ قواعد، رابطه معکوس (۰/۳۲-) و با میل به جایگزینی قواعد، رابطه مستقیم (۰/۴۷) دارد. بعلاوه میل به حفظ قواعد با میل به جایگزینی قواعد رابطه معکوس (۰/۶۲) دارد^(۱۳). دو مجموعه یافته مذکور حاکی از این است که اولاً زمینه ذهنی در جامعه (شهرهای مورد بررسی) برای اصلاح قواعد اساسی بیش از حفظ قواعد است؛ و در ثانی میل به اصلاح قواعد (اصلاح طلبی) همسو با میل به جایگزینی قواعد (رادیکالیسم) است؛ یعنی چنانچه میل به اصلاح قواعد تحقق نیابد، میل به تغییر قواعد جایگزین آن می شود نه میل به حفظ قواعد (محافظه کاری). بنابراین به نظر می آید نظام جمهوری اسلامی ایران برای ترمیم مشروعیت از دست رفته، راهی جز اصلاح قواعد اساسی خود ندارد.

یادداشتها

- ۱- تحقیق حاضر با عنوان «بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد» در سال ۱۳۷۹ توسط نگارنده و با حمایت مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفته است.
- ۲- سابقه و تعریف مفهومی مشروعیت سیاسی با شرح بیشتر در مقاله جداگانه‌ای از نگارنده با عنوان «تأملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت» در فصلنامه علمی پژوهشی دانشور (دانشگاه شاهد، ۱۳۸۱، شماره ۳۹: ۱۳۱-۱۱۹) چاپ گردیده است. در مقاله حاضر، تعریف مفهومی مشروعیت با تنقیحاتی درج گردیده است.
- ۳- «این قواعد هم شامل قواعد رسمی و قانونی است که قواعد نوشته شده بازی سیاسی هستند و هم قواعد غیر رسمی و نانوشته که در عمل به کار گرفته می‌شوند». البته همواره ممکن است برداشتی که افراد از قواعد قانونی دارند با متن و محتوای قواعد منطبق نباشد، لذا آنچه که در بحث مشروعیت قواعد اهمیت پیدا می‌کند این است که بینیم «قواعد (قانون) اساسی در عمل چه وجهی دارد، به بیان فوجز (۱۹۹۵) «واقعیت قانونی» و گرایش شهروندان را نسبت به آن واقعیت قانونی دریابیم» (آندرسن و ...، ۱۹۹۷: ۷۰).
- ۴- در این ستون گویه های منفی با علامت ستاره مشخص شده اند. در گویه های ستاره دار، پاسخ موافق به معنای مخالفت با قواعد اساسی نظام سیاسی تلقی می‌شود.
- ۵- آماره‌ها، بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردیده‌است؛ یعنی پاسخ کاملاً موافق با هر گویه معادل ۱۰۰ و کاملاً مخالف معادل ۰ منظور شده است.
- ۶- چون تعداد پاسخهای ناقص در مجموع گویه ها کمتر از ۵ درصد بوده است، در محاسبه شاخصهای ترکیبی مشروعیت، میانگین گویه به جای داده ناقص قرارداده شده، لذا تعداد پاسخ معتبر در همه موارد برابر تعداد کل پاسخگویان (۱۰۶۱ نفر) منظور شده است.
- ۷- تعداد پاسخ معتبر در مورد همه متغیرها در شهر تهران، مشهد و یزد به ترتیب برابر ۴۳۹، ۳۴۶ و ۲۷۶ نفر است.
- ۸- آماره‌ها، به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردیده است.
- ۹- هر متغیر پس از استاندارد شدن در عدد ۱۰ ضرب و حاصل آن با عدد ۵۰ جمع شده است.
- ۱۰- هویت حزبی (party identification) از دسته بندی پاسخهای معتبری که به سؤال ذیل داده شده، حاصل گردیده است: «... نام اصلی ترین گروه یا حزب سیاسی مورد علاقه خود را بیان کنید». در

دسته بندی مذکور، گروهها و احزاب وابسته به جناح دوم خرداد در رده «اصلاح طلب» و گروهها و احزاب به جناح راست در رده «محافظه کار» و گروهها و احزاب ملی گرا در رده «ملی مذهبی» قرار داده شده اند.

۱۱- با توجه به پایین بودن فراوانی هویت‌های ملی مذهبی (۱/۸ درصد)، مقایسه میانگین مشروعیت به دو رده اصلاح طلب و محافظه کار محدود گردیده است. یادآور می شود از مجموع ۱۰۶۱ پاسخگو، در کل ۴۱ درصد (۴۳۵ نفر) هویت حزبی خود را آشکار کرده اند که از این تعداد ۸۲/۱ درصد هویت اصلاح طلب، ۱۶/۱ درصد محافظه کار و ۱/۸ درصد نیز هویت ملی مذهبی داشته اند.

۱۲- میل به اصلاح قواعد (قانون) اساسی را می توان از محاسبه میانگین گویه‌های (۱)، (۸) و (۱۱)، میل به حفظ قواعد را از میانگین گویه‌های (۲)، (۳)، (۴)، (۶)، (۹)، (۱۰) و (۱۲) و میل به تغییر و جایگزینی قواعد را از محاسبه میانگین گویه‌های ۵ و ۱۳ در جدول (۳) برآورد نمود که به ترتیب معادل ۶۴، ۶۱ و ۵۱ است.

۱۳- ضریب همبستگی پیرسون (۲) بین میانگین گویه‌هایی که دلالت بر اصلاح قواعد دارند و میانگین گویه‌هایی که دلالت بر حفظ قواعد دارند معادل ۰/۳۲- و با میانگین گویه‌هایی که دلالت بر جایگزینی قواعد دارند معادل ۰/۴۷ است. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین میل به حفظ قواعد و میل به جایگزینی قواعد معادل ۰/۶۲- است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- دوگان، متی (۱۳۷۵): «مشروعیت»، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، جلد دوم: ۲۶۹-۲۸۸.
- ۲- هولاب، رابرت (۱۳۷۷): «هائوماس»، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- ۳- وبر، ماکس (۱۳۷۴): «اقتصاد و جامعه»، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، انتشار مولی.
- ۴- وینست، اندرو (۱۳۷۱): «نظریه‌های دولت»، ترجمه حسن بشیریه، تهران، نشر نی.
- ۵- لاوتنال، آر: «مشروعیت سیاسی و دگرگونی فرهنگی»، صص ۱۵۴-۱۶۱، در کوزر لوئیس و روزنبرگ برنارد (۱۳۷۸)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- 6- Anderson c. and Guillory c. "Political institutions and satisfaction with democracy". American political science review, vol. 91, no. 1 (March: 66-81)
- 7- Beetham David, 1991. The Legitimation of Power (Issues in Political theory). London : MacMilan
- 8- Duke James T., 1976. Conflict and Power in Social Life. , Brigham : Yiung University Press.
- 9- Hild David, 1990. Political Theory and the state Modern (Essays on State, Power and Democracy). London : Polity Press.
- 10- Kupper A. 1996. The social science encyclopedia. London: Routledge.
- 11- Lipset Seymour, 1994. "The social requisites of democracy revisited". American sociological of review, vol. 59 (February: 1-22).
- 12- Razi Hossein, 1990. Legitimacy, Religion and Nationalism in the Middle east. American political science , vol. 84, no. 1, (March: 60-91)
- 13- Stryker R., 1994. "Rules, Resources, and Legitimacy Processes". American journal of sociology , vol. 99, no. 4 (Oct: 934-970).
- 14- Weatherford M.S. 1994. "Measuring political legitimacy". American political science , vol. 86, no. 1, (March: 149-166).
- 15- Weil D.F. 1989. "The Sources and Structure of Legitimacy". American journal of sociology , vol. 54, no. 1).

مشخصات مؤلف

علی یوسفی دارای درجه دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی، بویژه جامعه‌شناسی گروه‌های قومی، جنبش و تغییرات اجتماعی است. آدرس: گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد

Emai: Yousefi@ferdowsi.um.ac.ir